



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به همه ی برادران و خواهران عزیز و بخصوص به برادران و خواهرانی که از راههای دور زحمت سفر را تحمل کرده اند و تشریف آورده اند، خوش آمد عرض می کنم. همچنین ایام خجسته ی دهه ی مبارک فجر انقلاب اسلامی و نیز عید سعید غدیر را - که چند روزی بیشتر به این عید بزرگ مانده است - تبریک عرض می کنم. امیدوارم به برکت ایمان و شور و اخلاصی که در شما مردم عزیز نسبت به مقدسات دینی و اولیای عظام دین (علیهم السلام) وجود دارد، همه ی شما و همه ی ملت ایران مشمول برکات الهی باشید و این اعیاد بر همه ی شما و بر همه ی ملت ایران مبارک باشد.

امروز بجاست به مناسبت چهلیم فاجعه ی زلزله ی بم، از مردم مصیبت زده و داغدیده ی آن شهر یادی بکنیم. اگرچه ملت عزیز ما از آغاز بروز این فاجعه، همدردی و همدلی خود را با مردم مصیبت زده ی بم بخوبی اظهار کردند و ایمان و مروت و اخوت اسلامی خود را نشان دادند؛ ولی ابعاد این حادثه ی تلخ، فراموش شدنی نیست. مسؤولان دستگاه های مختلف دولتی و نهادهای انقلابی که خیلی هم برای جبران خسارات و مصایب مردم بم تلاش کردند، باز هم باید تلاش کنند؛ باز هم باید همدلی و کمک مردم و همراهی همه ی دستگاه های دولتی در این قضیه به چشم دیده شود تا ملت ایران خاطر جمع شود که این ضایعه ی بزرگ تا حد ممکن ترمیم شد و زخم مصیبتی که بر پیکر ملت ایران وارد آمد، جبران گردید.

چقدر خوب و شایسته است که مردم در هر نقطه ی کشور باز هم به فکر برادران و خواهران بمی خود باشند؛ کسانی که می توانند به آنها کمک کنند. انسان می تواند برخی از هزینه های زاید را از زندگی خود بزند. حجاج که این روزها ان شاءالله تدریجاً در حال برگشت هستند و بسلامتی به کشور برمی گردند، چقدر خوب است هزینه هایی را که معمولاً در برگشت از حج، صرف برخی از دید و بازدیدها و تشریفات می کنند، حذف کنند و آن را برای مردم بم خرج کنند و به برادران و خواهران مصیبت دیده ی خود کمک نمایند.

البته اینها برای یک ملت و برای مردم یک شهر امتحان الهی است. بلا به معنای امتحان و برای ابتلاء است. این امتحان سخت بر مردم بم و در درجه ی بعد بر همه ی ملت ایران وارد شد. باید از این ابتلاء و امتحان الهی همه سربلند بیرون بیایند و بدانند آنچه خدای متعال را خشنود می کند، این است که ما در کار و رفتار و عملکرد خود بازنگری کنیم و نقص ها، ضعف ها و خطاها را از خودمان بزداییم. یک ملت اگر از تجربه ها درس بگیرد و راه خود را با صراط مستقیم الهی تطبیق کند، مصداق «رضی الله عنهم و رضوا عنه» خواهد شد.

این ایام، سالگرد انقلاب عظیم اسلامی است و برای ملت ایران و بلکه مسلمانان عالم یک عید است. اسلام توانست این افتخار را به دست آورد که بر سیطره و سلطه ی قدرتهای چپاولگر و جهانخوار پنجه بیندازد و یک ملت را نجات دهد. دهها سال قدرتهای استعماری بر ایران سلطه و سیطره داشتند. بلاهایی که دولت استعمارگر انگلیس در طول دهها سال بر سر ملت ایران آورد، فراموش نشدنی است. انقلاب مشروطیت را مصادره کردند، دیکتاتوری سیاه رضاخان را بر این مردم تحمیل کردند، نفت را غارت کردند، کشور را عقب نگه داشتند، ملت را مورد اهانت قرار دادند و دلیل کردند و حق عمومی یک ملت را در طول دهها سال پامال کردند. بعد هم که قدرت انگلیسی ها در سطح بین المللی رو به کاهش رفت، امریکایی ها خود را سر این سفره رساندند و تناول را شروع کردند. دیکتاتوری بیست و پنج ساله ی سیاه محمدرضا و همان جنایت هایی که انگلیسی ها می کردند، به وسیله ی امریکایی ها در ایران صورت گرفت و روزبه روز پنجه ی قدرتشان را در این کشور بیشتر فرو می کردند. ثروتها را می بردند، فرهنگ اسلامی و ملی را نابود می کردند و فرهنگ بیگانه پرستی را به جای آن رسوخ می دادند. همه چیز این کشور تحت سلطه و در پنجه ی آنها بود و رمق این ملت را کشیده بودند. اسلام توانست خون دوباره یی به رگهای این ملت بدواند. شعار بیداری اسلامی، این ملت را به حرکت درآورد. رهبری امام بزرگوار راه را به این ملت نشان داد. این ملت - همچنان که قرآن فرموده



است - سرنوشت خود را با اراده و ایستادگی و مجاهدتِ خود عوض کردند؛ نظام دیکتاتوری را از بین بردند؛ امریکا را از این کشور بیرون کردند؛ سلطه‌ی قدرتها را از این کشور قطع کردند و حق انتخاب کردن و حکومت بر سرنوشت خود را دوباره به دست آوردند؛ در نتیجه ملت ایران زنده شد.

دهه‌ی فجر، یادبود حیات دوباره‌ی ملت ایران و کشور عزیز ماست. مردم این ایام را جشن می‌گیرند و حق دارند جشن بگیرند. و شما عزیزان من! بدانید؛ در دنیا هم هر جا مسلمانان آگاه و بیداری وجود دارند، نسل جوان، زیدگان و نخبگان فرهنگی و سیاسی آنها هم این جشن را جشن خودشان محسوب می‌کنند و این بیداری را به نفع خود می‌دانند. دنیای اسلام که زیر سلطه و سیطره‌ی قدرتهای استکباری در خواب بود، بیدار شد. بعضی جاها توانستند خود را نجات دهند؛ در بعضی جاها هم خود بیداری، مقدمه‌ی نجات است.

ارزش این انقلاب از این جهت است که ایران را از سلطه‌ی قدرتهای مستکبر جهانی نجات داد. شما ببینید در دنیا زیاده خواهان و انحصارطلبان بین المللی با ملتها چه می‌کنند. همین‌ها بر این کشور، بر این ملت، بر نفت ما، بر فرهنگ ما، بر دولت ما و بر همه‌ی منابع انسانی و مالی ما مسلط بودند. انقلاب دست اینها را قطع کرد؛ اینها را از این کشور بیرون راند و سلطه‌ی آنها را از سر این ملت کم کرد؛ این، ارزش انقلاب ماست. قدر این انقلاب را بدانیم؛ آن را در مسیر خود حفظ کنیم و کمک کنیم به سمت اهداف والای خود پیش برود. همین اصول و مبانی و پایه هاست که آینده و سرنوشت و اقتصاد و فرهنگ و دین و دنیای ما را بهبود خواهد بخشید و زخم‌های پیکر ایران عزیز و مظلوم را التیام خواهد داد.

آنچه این روزها در درجه‌ی اول اهمیت است و من باید چند جمله‌ی درباره‌ی آن عرض کنم، انتخابات است. انتخابات، مظهر حضور مردم و آزادی ملت ایران در انتخاب سرنوشت خود است. شما وقتی رئیس جمهور را انتخاب می‌کنید، یعنی تمام سررشته‌های اجرایی کشور را در دست کسی می‌گذارید که منتخب شما و برخاسته‌ی از رأی و اراده‌ی شماست. وقتی نمایندگان مجلس را انتخاب می‌کنید، یعنی قانونگذاری و همچنین نظارت بر کار اجرایی را به دست کسانی می‌سپرید که شما آنها را شناخته و انتخاب کرده‌اید؛ بنابراین شما هستید که انتخاب می‌کنید. این کار به معنای قدرت مردم در اداره‌ی کشور و در دست داشتن سرنوشت کشور به وسیله‌ی ملت است؛ این چیز کم و کوچکی نیست؛ این برای ما همه چیز است. و من به شما عرض کنم؛ چیزی که در این بیست و پنج سال کشور و ملت ما را در مقابل تهاجم وحشیانه‌ی زیاده خواهان بین المللی حفظ کرد، همین بود که می‌دیدند ملت، صاحب دولت و مجلس و صاحب مسؤولان است. تا امروز پشتوانه‌ی حضور ملی بوده که همیشه دولتهای متجاوز و مقتدر جهانی را ترسانده است. این حضور، مثل سنگری برای کشور ما محسوب شده است؛ این چیز خیلی مهمی است. اگر در کشور ما انتخابات و مردم سالاری و حضور مردمی و اراده‌های جوشان شما مردم در وسط صحنه و میدان نمی‌بود، بدانید یک سال هم این انقلاب دوام نمی‌آورد؛ در مقابل یکی از تهاجمهای سیاسی و محاصره‌های اقتصادی هم دولتها نمی‌توانستند ایستادگی کنند؛ آن سنگر اصلی، شما بودید.

انتخابات مظهر حضور مردم است؛ همچنان که حضور در راهپیمایی بیست و دوم بهمن، یکی از مظاهر حضور مردمی است. دشمن و دستگاه‌های استکباری از انتخابات شما و از راهپیمایی شما در بیست و دوم بهمن می‌ترسند؛ بنابراین از همه‌ی نیروی خود استفاده می‌کنند شاید بتوانند انتخابات و حضور مردم و رأی آزاد و دخالت مردم در سرنوشت خود را از این ملت و از این کشور بگیرند. بیست و پنج سال است که دارند این تلاش را می‌کنند؛ الان هم دارند تلاش می‌کنند.

این روزها می‌بینید و می‌شنوید که در مسأله‌ی انتخابات، مناقشاتی بین دستگاه‌های اجرایی و نظارتی وجود دارد؛ همیشه هم بوده است. بدیهی است که همیشه ممکن است بین دستگاه ناظر و دستگاه مجری سر برخی از مسائل اختلاف پیش بیاید؛ این چیز تازه‌ی بی نیست؛ اما دشمن‌ها دندان تیز کرده‌اند، خوشحال شدند و قضیه را بزرگ کردند؛ یک عده هم در داخل، فریب آنها خوردند.

اگر کسی تبلیغات جهانی را بشنود - برای ما هر روز مثل یک طومار، تبلیغات جهانی را روی کاغذ می‌نویسند و می‌آورند؛ می‌بینیم که چه می‌گویند و چه می‌کنند - ملاحظه می‌کند که همه‌ی تلاش آنها این است که انتخابات



آینده ی ما را - که پانزده روز بیشتر به زمان اجرای آن نیست - تخریب کنند ؛ این راهبرد کلی آنهاست. تمام تلاش آنها این است که انتخابات در کشور برگزار نشود ؛ یعنی يك دولت مردم سالار، بدون مجلس ؛ يك دولت اسلامی، بدون نمایندگان مردم. معنای این تلاش چیست؟ یعنی پشتوانه ی مردمی را از نظام قطع کنند. همه ی همت و تلاش محافل سیاسی خارجی - یعنی کسانی که دشمن ما هستند - و دستگاه های اطلاعاتی و تبلیغاتی شان امروز متوجه به این مسأله است. راهبرد کلی آنها این است که انتخابات را تخریب کنند و نگذارند انتخاباتی برگزار شود. آنها از انتخابات بشدت ناراحت و ناراضی اند ؛ می دانند انتخابات مانع توطئه ها و جلوگیری خباثت های آنها نسبت به این کشور است ؛ لذا می خواهند انتخابات برگزار نشود ؛ این راهبرد کلی آنهاست.

این روزها وقتی به تبلیغات جهانی نگاه می کنید، می بینید حيله ی فعلی آنها هم در این قالب ارائه می شود که انتخابات را به تعویق بیندازیم! آن، استراتژی شان است ؛ این هم تاکتیک شان است. مرتب هم مسؤولان کشور و مسؤولان اجرایی را تشویق می کنند به این که شما نمی توانید انتخابات را راه بیندازید و نباید راه بیندازید. این تبلیغات خارجی، مستقیم و غیرمستقیم، رادیویی و سیاسی و با انواع و اقسام دیگر، همه متوجه این قضیه است. آنچه وظیفه ی دولت و ملت ایران است، این است که در مقابل توطئه ی دشمن بایستند. انتخابات باید در موعد خود - روز اول اسفند - بدون حتی يك روز تأخیر انجام بگیرد. من متأسفم از این که بعضی افراد از روی غفلت، همان حرفهایی را تکرار می کنند که دشمنان این ملت می زنند. آنها با تبلیغات و روشهای سیاسی و حيله های خود برخی از مسؤولان اجرایی را به کنار رفتن و اجرا نکردن مسؤولیت قانونی تشویق می کنند. مگر اجرا و برگزاری انتخابات حق کسی از مسؤولان است که بگوید من این حق را می خواهم یا نمی خواهم؟ وظیفه است ؛ وظیفه ی قانونی دستگاه های مشخص دولتی است ؛ باید این وظیفه را انجام دهند ؛ این حق مردم است. مگر کسی در داخل کشور می تواند بگوید چون من این پدیده را نمی پسندم، یا فلان روش را نمی پسندم، آنچه را که قانون به عنوان وظیفه بر عهده ی من قرار داده است، انجام نمی دهم؟ مگر می شود چنین کاری کرد؟! شانه خالی کردن از مسؤولیت، به صورت کناره گیری و استعفاء و غیر اینها، برای این مسؤولان، هم خلاف قانون است، هم حرام شرعی است. مگر می شود با این حق بزرگ مردم بازی کرد؟!

اکثر مسؤولان ما، اکثر نمایندگان مجلس ما، اکثر مسؤولان اجرایی ما، مردمان متدین، علاقه مند به انقلاب و آماده ی برای خدمت به مردمنند. این طور خیال نشود که مجلس چنین است یا چنان است ؛ نه، مجلس رکن نظام است. البته در داخل مجلس - مثل همه جای دیگر - ممکن است عناصری نفوذ و رخنه کرده باشند ؛ حقایق را وارونه کنند ؛ فضا را بر کسانی سخت و سنگین کنند ؛ آنها را وادار به کار ناشایسته و نامناسبی کنند. اغلب نمایندگان برای خدمت به مردم آماده اند ؛ وظیفه ی آنهاست ؛ باید هم این کار را بکنند ؛ باید هم خدمت کنند. فلسفه ی وجود بنده و امثال بنده و دیگر مسؤولان، خدمت است. ماها نوکر و خدمتگزار مردم هستیم ؛ اعتبار و آبروی ما به این است ؛ اسلام این را برای ما معین کرده است ؛ ما حقی به گردن مردم نداریم ؛ مردم به گردن ما حق دارند. با این روحیه و با این نیت، بیست و پنج سال این انقلاب و این نظام سر پا ایستاده است ؛ بیست و پنج سال این ملت مثل کوه در مقابل دشمنان توطئه گر و حيله گر خود مقاومت کرده است. کسانی که این روحیه را از دست بدهند و یا دیگران را به خروج از این روحیه تشویق کنند، به ملت خیانت کرده اند.

همه ی مسؤولان - چه در قوه ی مقننه، چه در قوه ی مجریه، چه در قوه ی قضاییه - باید همیشه کمر بسته و آماده به خدمت باشند. مجلس هم باید وظایف بزرگ خود را انجام دهد ؛ این، هم وظیفه ی شرعی است، هم وظیفه ی قانونی است، هم وظیفه ی اخلاقی و ملی است. دولت هم باید وظایف خود را انجام دهد ؛ قوه ی قضاییه هم باید وظیفه ی خود را انجام دهد ؛ همه باید وظایف خود را انجام دهند.

کشور بحمدالله بعد از آن جنگ طولانی به راه افتاده است ؛ کارهای زیاد و بزرگی شده است ؛ بتدریج آثار افق های زیبا در حال آشکار شدن است ؛ ناگهان دشمنان در مرحله یی می خواهند با سیاست، توطئه و مکاری جلوی این پیشرفت را بگیرند ؛ مگر ما اجازه می دهیم؟

البته این روزها حرفهای گوناگونی از زبانها و بلندگوهای مختلف در داخل کشور بلند شد که بعضی از آنها بسیار دل



آزار بود. راه صحیح را باید جستجو کرد. واقعاً کسانی که مسؤول و دلسوزند، خیلی زحمت کشیدند و خیلی تلاش کردند؛ من از همه ی آنها تشکر می کنم. شورای محترم نگهبان خیلی تلاش کرد و خیلی زحمت کشید؛ واقعاً جای قدردانی و سپاسگزاری دارد. رئیس جمهور محترم و رئیس محترم مجلس خیلی تلاش کردند و خیلی زحمت کشیدند؛ از آنها هم تشکر می کنم. دستگاه هایی که مسؤول هستند، هر کدام به نوبه ی خود تلاشهای خوب و شایسته یی کردند. البته کسانی هم هستند که زیاده خواه اند و - همان طور که عرض کردیم - با گردن کلفتی می خواهند کار خود را پیش ببرند؛ اینها می خواهند روی مسؤولان کشور فشار وارد بیاورند. روی این آقایان فشارهای زیادی بود، اما ایستادگی کردند. من از خدای متعال برای آنها توفیق می خواهم و از آنها تشکر می کنم که در مقابل فشار گروه های فشار و زیاده خواه ایستادگی کردند و تسلیم نشدند؛ هم رؤسای محترم آن دو قوه و هم شورای محترم نگهبان.

البته همیشه مناقشاتی هست؛ همیشه هم همه ی مناقشات راه حلی دارد. هیچ گره یی نیست که باز شدنی نباشد. این گره های ریز و درشت، باز شدنی است. در طول سالهای متمادی همیشه این انقلاب توانسته است بن بست ها را بشکافد و پیش برود. به فضل پروردگار و به حول و قوه ی الهی هیچ بن بستى در مقابل ما وجود ندارد. از خداوند متعال می خواهیم تفضل خود را بر این ملت نازل کند. شما ملت ایران، با ایمان و اخلاص و عزم و اراده و حضور خود، مظهر لطف و فضل الهی هستید؛ خداوند شما را همواره مشمول رحمت و فضل خود قرار دهد. خداوند به مسؤولان دلسوز و خدمتگزار کمک کند؛ همه ی ما را هدایت کند؛ قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود کند و شهدای عزیز ما و امام بزرگوار را با اولیایشان محشور فرماید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته